



محمد رضا محمدی
پژوهشگر مسائل بین الملل
همکار در مرکز مطالعات آمریکا

آمریکا، غرب آسیا و راهبرد موازنه از راه دور

بیشتری برای استفاده از فرصت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی غرب آسیا، به کار بندد؛ منطقه‌ای که در کنار دارا بودن سهم به سزایی از انرژی‌های فسیلی جهان، موقعیتی خاص در نزاع جنگ سرد داشت. همچنین، تلاش برای حفظ رژیم صهیونیستی در یک محیط پیرامونی خصمانه، همواره جزء منافع آشکار آمریکا در غرب آسیا، به شمار می‌آید. این منطقه با اهمیت جهان، همواره دستخوش تحولات بی‌شمار بوده است؛ تحولاتی که در دهه‌های اخیر، موجب شد تا تصمیم‌سازان آمریکا برای حفظ منافعشان در این منطقه، به مرور توان نظامی خود را در غرب آسیا تقویت نمایند. برخی از این تحولات، عبارت بودند از: جنگ‌های اعراب با اسرائیل، بحران انرژی، جنگ‌های داخلی در کشورهای لبنان، عراق، یمن و اردن، وقوع انقلاب اسلامی ایران، جنگ نفت و اشغال کویت توسط عراق، آغاز جنگ ایران و عراق، ظهور گروه‌های بنیادگرا در منطقه و...؛ اما در دو ماه اخیر، شاهد دور جدیدی از افزایش تنش‌ها در منطقه غرب

به دلیل اهمیت غرب آسیا، قدرت‌های بزرگ جهان، همواره توجه زیادی به این منطقه داشته و دارند. خلأ قدرتی که پس از خروج بریتانیا در منطقه به وجود آمد، آمریکا را برآن داشت تا تلاش بیشتری برای استفاده از فرصت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی غرب آسیا، به کار بندد؛ اما منطقه در دو ماه اخیر، شاهد دور جدیدی از افزایش تنش‌ها در منطقه غرب آسیا بوده است. فرض نوشتار حاضر، این است که اساس این تنش‌ها، پیرنگ شدن «راهبرد موازنه از راه دور» ایالات متحده بوده که منجر به تنش آلود شدن محیط غرب آسیا، طی دو ماه اخیر شده است.

منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به واسطه عوامل مختلف تاریخی، مذهبی، قومیتی و استعماری، همواره آستان تنش و گاهی منازعه بوده است. به دلیل اهمیت غرب آسیا، قدرت‌های بزرگ جهان، همواره توجه زیادی به این منطقه داشته و دارند. خلأ قدرتی که پس از خروج بریتانیا در منطقه به وجود آمد، آمریکا را برآن داشت تا تلاش

راهبردی عقلانی و کم هزینه برای واشنگتن با توجه به ویژگی‌های این منطقه است. با این توضیح، لازم است به برخی رخدادهای دو ماه اخیر منطقه اشاره کرد که منجر به افزایش تنش‌های غرب آسیا شده است.

یکی از گزینه‌های تغییر سیاست‌های

غرب آسیایی آمریکا، استفاده از

راهبرد «موازنه از راه دور» بود. از

منظر این راهبرد، غیر از نیمکره غربی

که تحت تسلط آمریکا است، سه

منطقه مهم دیگر در جهان وجود

دارد؛ اروپا، شرق آسیا و غرب آسیا.

سفر بایدن به منطقه:

سفر چهارروزه جو بایدن به خاورمیانه، با فرود هواپیمای وی در تل‌آویو آغاز شد. با پیشبرد پروژه عادی سازی، تحولات منطقه با کمترین دخالت آمریکا که تصمیم گرفته بود روی «مهار چین» تمرکز کند، پیش خواهد رفت، اما وقوع دورویداد مهم، نشان می‌دهد که آمریکا ضمن تأیید اولویتش برای مقابله با چین، نه تنها به دنبال خروج از منطقه نیست، بلکه در تلاش است تا با بهره‌گیری بیشتر از «راهبرد موازنه از راه دور»، در پی افزایش نفوذ خود در غرب آسیا

غرب آسیا، در اروپا و غرب آسیا، تهدیدی جدی برای هژمونی آمریکا در جهان در دهه‌های آتی وجود نداشت، اما در شرق آسیا، تحولاتی در حال رخداد بود که هژمونی آمریکا را با تهدید مواجه می‌کرد. پیمان‌های امنیتی و قراردادهای تسلیحاتی رو به افزایش آمریکا در سال‌های اخیر با کشورهایی همچون عربستان، رژیم صهیونیستی و ترکیه (به منظور مقابله با تهدید ایران)، حمایت از گروه‌های تروریستی در منطقه غرب آسیا، حمایت از دیکتاتوری‌های وابسته غرب‌گرا، عدم حمایت از بیداری اسلامی و درنهایت، تلاش برای عادی سازی روابط کشورهای عرب مسلمان با رژیم اسرائیل، همه در چارچوب این راهبرد قابل تحلیل است. اینکه راهبرد موازنه از راه دور، می‌تواند به تولید نظم‌های منطقه‌ای جدید یا به گسترش بی‌نظمی در مناطق مختلف منجر شود، پرسشی است که نمی‌توان با قاطعیت به آن پاسخ داد، با این حال، آنچه می‌توان با اطمینان بیشتری بیان کرد، این است که حداقل در منطقه غرب آسیا، موازنه سازی از راه دور،

آسیا بودیم. فرض نوشتار حاضر، این است که اساس این تنش‌ها، پیرنگ شدن «راهبرد موازنه از راه دور» ایالات متحده است که منجر به تنش آلود شدن محیط غرب آسیا، در دو ماه اخیر شده است. در ادامه، نویسنده ضمن بررسی ابعاد این راهبرد، به بررسی عوامل تنش‌زای دو ماه اخیر منطقه می‌پردازد.

نگاهی به هزینه‌های نظامی - امنیتی که آمریکا در دهه‌های اخیر در غرب آسیا صرف کرده، گویای بی‌سابقه بودن آن در تاریخ این کشور است. این کشور، مبالغ هنگفتی در جنگ‌های افغانستان و عراق هزینه کرد و تلفات انسانی سنگینی نیز متحمل شد. مجموع این عوامل، چالشی جدی پیش روی سیاست‌گذاران آمریکایی قرارداد و آن‌ها را مجبور کرد تا در سیاست‌های غرب آسیایی خود، بازنگری جدی انجام دهند. یکی از گزینه‌های تغییر سیاست‌های غرب آسیایی آمریکا، استفاده از راهبرد «موازنه از راه دور» بود. از منظر این راهبرد، غیر از نیمکره غربی که تحت تسلط آمریکا است، سه منطقه مهم دیگر در جهان وجود دارد؛ اروپا، شرق آسیا و

است. دلیل اول، جنگ روسیه علیه اوکراین است که اکنون به بحران انرژی و سوخت‌های فسیلی انجامیده است؛ و دلیل دوم، سرنوشت مذاکرات برجام بوده که ماه‌ها بدون نتیجه مانده است. حالا، بایدن به خاورمیانه سفر کرده تا از ویژگی ژئوپلیتیک هم‌پیمانان عربش، برای پیشبرد منافع خود بهره ببرد؛ سفری که هنوز زوایای تاریک آن، روشن نشده است.

ادامه روند عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل

با توجه به مصالحه نسبی و پنهانی اعراب و اسرائیل در گذشته و در نهایت، آشکار سازی این رابطه در سال ۲۰۲۰، به نظر می‌رسد، تحول شکل گرفته در قالب فرآیند عادی سازی مناسبات اعراب و اسرائیل، معادلات امنیت منطقه‌ای را دستخوش تغییراتی نماید. توسعه مناسبات اعراب، اسرائیل و اهداف آن‌ها از عادی سازی مناسبات، پیامدهایی اساسی بر محیط امنیتی منطقه‌ای ایران؛ چون بر هم خوردن ساختار توازن قدرت در منطقه و شکل‌گیری فرآیند

موازنه تهدید نوین منطقه‌ای علیه ایران، عدم شکل‌گیری رژیم و ترتیبات امنیتی پایدار در منطقه، رشد گروه‌های رادیکال و افراطی در منطقه، توسعه و گسترش حضور و نفوذ آمریکا و شکل دادن به یک نظم پساداعشی، در غیاب ایران داشته است. اقدام دولت ترامپ در آغاز، رسمی فرآیند عادی سازی و تلاش دولت بایدن در ادامه این روند را - که در سفیرا خیروی به منطقه هم شاهد آن بودیم - می‌توان در راستای استراتژی موازنه از راه دور تحلیل نمود.

جنگ اوکراین و کاهش نیروهای روسیه در سوریه

اوایل می امسال، منابع خبری اعلام کردند که مسکو در ماه دوم جنگ خود با اوکراین، روند خروج نیروهایش از حدود ۳۰ نقطه نظامی در سوریه را آغاز کرده است و نیروهای ایرانی و همچنین نیروهایی از حزب الله لبنان، جایگزین آن‌ها می‌شوند. حمله نظامی روسیه به اوکراین و تبعات سیاسی و دیپلماتیک این اقدام، به خصوص فشارها و تحریم‌های جامعه جهانی علیه کرملین، سبب شده است که روس‌ها تمرکز و به

نحوی اولویت نظامی و امنیتی خود را بر روی این جنگ در کنار مرزهای خود و تقابل با گسترش ناتو بگذارند؛ بنابراین، خواسته یا ناخواسته تبعات جنگ اوکراین موجب شده که دیگر تحرکات نظامی و امنیتی روسیه در سایر مناطق جهان، تحت الشعاع قرار بگیرد. همان‌گونه که پیش‌تر از خاورمیانه و سوریه، شاهد انفعال روسیه در قره‌باغ نیز هستیم که باعث شده است، جمهوری آذربایجان تحرکات بیشتری در آنجا داشته باشد. حال، به موازات تحمیل شرایط جنگ اوکراین به اقتضانات امنیتی و آرایش نظامی روسیه، شرایطی شکل گرفته است که پوتین در سایه نظم جدید ناشی از این جنگ، سعی دارد تا دست به بازتعریفی در بازیگران متحد و همسو با خود بزند. ضمناً چون اسرائیل در این جنگ، نه تنها حمایتی از روسیه به عمل نیاورد، بلکه در تقابل دیپلماتیک و نظامی با کرملین، قرار گرفت و تل آویو بین مسکو و کیف، نهایتاً اوکراین را برگزید، باعث شده که پوتین، موازنه سازی تازه‌ای در کنار مرزهای

اسرائیل پیاده کند. اگرچه در وهله اول خروج ارتش روسیه از پایگاه‌های سوریه، می‌تواند دامنه فعالیت‌های نظامی ارتش این کشور (سوریه) یا ایران را بیشتر کند، اما از دیگر سو، باید در نظر گرفت که خروج روس‌ها به عنوان نیروی حائل میان ایران و اسرائیل در سوریه، دست تل‌آویو را هم برای افزایش حملات و تهاجمات نظامی به خاک سوریه بازتر می‌کند؛ بنابراین، خروج نظامی ناخواسته روسیه، صرفاً به معنای تهدید امنیت اسرائیل نخواهد بود، بلکه یک موازنه جدید امنیتی را به منطقه خاورمیانه تحمیل می‌کند.

سایه حمله نظامی ترکیه به شمال سوریه

بر اساس شواهد، ترکیه علیه مناطق تل‌رفعت و منبج، یازگیری می‌کند زیرا این دو منطقه برای ترکیه، هدفی استراتژی محسوب می‌شود که مناطق تحت کنترل گروه شبه‌نظامی «قسد»، دچار شکاف و تجزیه شوند. پیش‌تر، رئیس‌جمهوری ترکیه (اردوغان)، خاطر نشان کرد که ارتش این کشور، تصمیم دارد تا عملیات

نظامی را برای مبارزه با تروریسم در مرزهای ترکیه انجام دهد و تصمیم در خصوص این عملیات، به زودی اتخاذ می‌شود. البته این اقدام نظامی احتمالی تا حدی با مخالفت آمریکا منتفی است، اما حتی اعلام این موضوع از جانب ترکیه نیز به عاملی برهم زننده نظم منطقه تبدیل شد. مخالفت ایالات متحده با ورود نظامی آنکارا در سوریه نیز نتیجه همین راهبرد در مورد جلوگیری از هژمون‌سازی در منطقه است.

بی‌نتیجه ماندن مذاکرات هسته‌ای

پس از خروج ترامپ از توافق هسته‌ای و با روی کار آمدن دولت بایدن، بار دیگر بحث احیای توافق مطرح شد، اما در مدت بیش از دو سال مذاکره و با مواضع غیرمنطقی ایالات متحده، سرنوشت این توافق، همچنان مبهم است. این مذاکرات، ماه گذشته با میانجیگری اروپا و به طور غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن، در قطار ادامه پیدا کرد که به نتیجه‌ای نرسید. واقعیت آن است که از سال ۲۰۰۳ - که اتهامات واهی غرب علیه برنامه

هسته‌ای صلح‌آمیز ایران آغاز شد - رقبای ایران در منطقه، مانند عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، با نوعی سردرگمی در قبال توافق احتمالی، مواضعی متفاوتی را در پیش گرفتند. از طرفی این بازیگران منطقه‌ای، تمایل به تحریم بیشتر تهران به بهانه برنامه هسته‌ای داشتند و از طرف دیگر، نگران بودند تا در صورت عدم همراهی غرب به ادعای دروغ آن‌ها، تهران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای پیش رود. این سردرگمی در دیدار بایدن از منطقه، در هفته جاری نیز نمایان بود. ریاض از طرفی خواهان تحریم بیشتر ایران بود و از طرفی، به برقراری مجدد توافق، تمایل نشان داد.

اگرچه در وهله اول، خروج ارتش

روسیه از پایگاه‌های سوریه،

می‌تواند دامنه فعالیت‌های نظامی

ارتش این کشور (سوریه) یا ایران

را بیشتر کند، اما از دیگر سو، باید

در نظر گرفت که خروج روس‌ها

به عنوان نیروی حائل میان ایران و

اسرائیل در سوریه، دست تل‌آویو

را برای افزایش حملات و تهاجمات

نظامی به خاک سوریه بازتر می‌کند.



در یک جمع‌بندی، باید گفت که راهبرد موازنه از راه دور، نه تنها به معنای انفعال آمریکا در مدیریت مناطق مختلف جهان نیست، بلکه با مدیریت فعال، این کشور موجب ممانعت از ظهور یک قدرت هم‌مونی طلب در نقاط بااهمیت دنیا می‌شود. به عبارت دیگر، از طریق ایجاد موازنه میان قدرت‌های منطقه‌ای در اروپا، شرق و غرب آسیا، اجازه تسلط به هیچ‌یک از آن‌ها داده نمی‌شود. طبق این راهبرد، حتی اگر قرار باشد که آمریکا در منازعات، به‌طور مستقیم مداخله نماید، باید آخرین کشوری باشد که این کار را انجام می‌دهد.

طبق این راهبرد، آمریکا باید تنها در اموری مداخله کند که برای منافع این کشور ضروری است؛ بنابراین، آمریکا موقعیت نظامی خود را با توجه به توزیع قدرت در این سه منطقه مذکور تنظیم می‌کند. بنا بر آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد آنچه در ماه‌های اخیر در غرب آسیا رخ داده و افزایش تنش‌ها در این منطقه را حاصل کرده است، در وهله اول، از راهبرد موازنه از راه دور آمریکا ناشی می‌شود. تسریع روند عادی‌سازی، سفر بایدن به منطقه، زیاده‌خواهی آمریکا در مذاکرات هسته‌ای و مخالفت این کشور با دخالت

نظامی ترکیه در سوریه نیز در همین چارچوب، قابل تحلیل است. در واقع، لازمه راهبرد موازنه از راه دور برای واشنگتن، استفاده از بازیگران مختلف منطقه برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی این کشور، بدون دخالت مستقیم و با هزینه‌های هنگفت است.